

زنان در رأس قدرت سیاسی

سال ۲۰۲۵

گردآوری و تحقیق: کتایون لامعزاده

کاری از: دیپلماسی ایرانی

و

موسسه فرهنگی هنری نامه پروانه



در دو دهه گذشته، حضور زنان در رأس قدرت سیاسی دیگر پدیده‌ای استثنایی نیست. از باریادوس و ایسلند گرفته تا تانزانیا و مکزیک، زنان به مقام‌های ریاست‌جمهوری و نخست‌وزیری رسیده‌اند و تصویر سیاست جهانی را تغییر داده‌اند. با این حال، بررسی پرونده این رهبران نشان می‌دهد که زن بودن، هرچند نماد تغییر و امیدبخش است، اما به معنای اصلاحات عمیق یا تحول در سیاست‌ها نیست.

مسیر رسیدن به قدرت، ساختار نهادی کشور، میزان اختیارات اجرایی و شرایط بحران‌های سیاسی و اقتصادی، همگی تعیین‌کننده دامنه کنش این رهبران هستند. این تحلیل، حضور زنان در بالاترین سطوح قدرت را از منظر ترکیب نمادین، نهادی و منطقه‌ای بررسی می‌کند و تفاوت‌های مسیرهای انتخاباتی، انتصابی و تشریفاتی را برجسته می‌سازد.

پرونده توصیفی

ابتدا زنانی که در رأس قدرت سیاسی هستند را همانگونه که هستند، توصیف می‌کنیم.

مالت — میریام اسپیتری دبونو (Myriam Spiteri Debono)

زندگی شخصی، خانوادگی و تحصیلی:

میریام اسپیتری دبونو متولد 1952 در مالت است. تحصیلات دانشگاهی خود را در حوزه علوم انسانی و ارتباطات به پایان رسانده و سال‌ها در آموزش، فعالیت‌های فرهنگی و رسانه‌ای حضور داشته است. او از چهره‌های شناخته‌شده جامعه مدنی مالت به شمار می‌رود و سابقه فعالیت حزبی مستقیم پررنگی ندارد.

نحوه رسیدن به قدرت:

میریام در آوریل ۲۰۲۴، با رأی پارلمان مالت و با توافق دو حزب اصلی، به‌عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد. او نخستین زن در تاریخ مالت است که به این مقام می‌رسد.

نقاط قوت و ضعف کاری:

نقطه قوت میریام برخورداری او از چهره‌ای فراجنبی و اعتبار فرهنگی-اجتماعی است. با این حال؛ اختیارات ریاست‌جمهوری در نظام پارلمانی مالت محدود است و همین هم ضعف او در ایفای نقش مهم سیاسی در مالت به حساب می‌آید.

چالش‌های پیش‌رو:

اسپیتری با چالش‌هایی روبه‌روست که بیشتر ساختار سیاسی و اجتماعی کشور را هدف قرار می‌دهند: حفظ اعتبار و استقلال نهاد ریاست‌جمهوری در حالی که دولت و پارلمان درگیر انتقادهای درباره شفافیت و مبارزه با فساد هستند (که مالت در شاخص‌های بین‌المللی با مشکلاتی روبه‌روست)، مدیریت فشارهای مهاجرتی به‌عنوان یکی از مسیرهای اصلی ورود پناهنده‌ها به اروپا، و تلاش برای حمایت از ثبات سیاسی و اتحاد ملی در شرایطی که اختلافات میان احزاب افزایش یافته و نقش قوه مجریه و قضاییه زیر ذره‌بین عمومی قرار دارد. او باید همچنین به چالش‌های زیست‌محیطی و زیرساختی مثل فشار جمعیت و رشد سریع اقتصاد جزیره پاسخ دهد تا مشروعیت نهادی را تقویت کند و اعتماد عمومی را حفظ نماید.

جزایر مارشال — هیلدا هاینه (Hilda Heine)

زندگی شخصی، خانوادگی و تحصیلی:

هیلدا هاینه متولد ۱۹۵۱ است. تحصیلات عالی خود را در ایالات متحده گذرانده و دارای مدرک دکتری در حوزه آموزش از دانشگاه هاوایی است. پیش از ورود به سیاست، سال‌ها در دانشگاه تدریس کرده و در نهادهای آموزشی و مدنی فعال بوده است.

نحوه رسیدن به قدرت:

در سال ۲۰۱۶ به‌عنوان نخست‌وزیر جزایر مارشال انتخاب شد و نخستین زن در تاریخ این کشور بود که به چنین سمتی رسید. پس از یک دوره کناره‌گیری، در ژانویه ۲۰۲۴ بار دیگر به‌عنوان نخست‌وزیر انتخاب شد.

نقاط قوت و ضعف کاری:

نقطه قوت اصلی او تجربه دانشگاهی، شناخت سیاست‌های آموزشی و تمرکز بر مسائل اقلیمی است. با این حال، محدودیت منابع و وابستگی اقتصادی کشور، میدان مانور دولت او را محدود می‌کند.

چالش‌های پیش‌رو:

هیلدا هاینه، رئیس‌جمهور جمهوری جزایر مارشال، با چالش‌هایی بسیار جدی روبه‌روست: او باید بقا و توسعه کشورش در مواجهه با تغییرات اقلیمی و بالا آمدن سطح دریا را مدیریت کند، چون جزایر بسیار کم‌ارتفاع هستند و تهدید زیستی مستقیم محسوب می‌شود؛ همچنین وابستگی اقتصادی شدید به کمک‌های ایالات متحده از طریق توافق Compact of Free Association (COFA) با تأخیر در تصویب کمک‌ها و فشار سیاسی در واشنگتن همراه است که خدمات عمومی و بودجه را تحت فشار قرار می‌دهد، و این در عین حالی است که او تلاش می‌کند استقلال، امنیت و نفوذ خارجی – به‌ویژه در مواجهه با رقابت چین و نقش آمریکا در منطقه – را حفظ کند؛ افزون بر این، موضوع ردپای تاریخی آزمایش‌های هسته‌ای آمریکا و تلاش برای جبران آن و موضوعات اجتماعی مانند تقویت حقوق زنان و مقابله با فساد و ناکارآمدی‌های نهادی نیز از دیگر چالش‌های پیش‌روی اوست.

مکزیک — کلودیا شینبام (Claudia Sheinbaum)

زندگی شخصی، خانوادگی و تحصیلی:

کلودیا شینبام در سال ۱۰۶۲ متولد شد. تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته فیزیک و مهندسی انرژی تا مقطع دکتری ادامه داد و سابقه فعالیت علمی و دانشگاهی دارد. او پیش از سیاست، در حوزه محیط‌زیست و انرژی فعال بوده است.

نحوه رسیدن به قدرت:

کلودیا پس از فعالیت سیاسی در حزب مورنا و دوره‌ای شهرداری مکزیکوسیتی، در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴ پیروز شد و به‌عنوان نخستین زن رئیس‌جمهور مکزیک قدرت را در دست گرفت.

نقاط قوت و ضعف کاری:

از نقاط قوت او می‌توان به سابقه مدیریتی شهری و رویکرد تکنوکراتیک اشاره کرد. اما از نظر منتقدان، نزدیکی سیاسی او به رئیس‌جمهور پیشین یکی از نقاط ضعف کلودیا به حساب می‌آید.

چالش‌های پیش‌رو:

در دوران ریاست‌جمهوری کلودیا شینبام در مکزیک چند چالش اصلی پیش‌روی او قرار دارد: مهم‌ترین آن بحران امنیتی و خشونت سازمان‌یافته است که شامل جرایمی مانند اخاذی، جنگ کارتل‌ها و بالا بودن نرخ قتل و ناپدیدشدن‌ها می‌شود و هنوز مهار کامل آن دشوار است.

همچنین فشار برای اصلاحات قضایی و نگرانی درباره استقلال نهادهای قانونی در نتیجه اصلاحات پیشنهادی به دادگاه عالی و انتقادهای از خطر تضعیف قوه قضاییه از دیگر چالش‌هاست.

از منظر اقتصادی، او باید با کندی رشد، تنگناهای بودجه و لزوم جذب سرمایه‌گذاری و مدیریت شرکت‌های دولتی بزرگ مانند پمکس روبه‌رو شود.

افزون بر این، مسائل اجتماعی مانند خشونت علیه زنان، نابرابری جنسیتی و دسترسی به خدمات اساسی نیز از دغدغه‌های جدی در داخل کشور است.

این مجموعه چالش‌ها در کنار حساسیت روابط با ایالات متحده و فشارهای بین‌المللی، مسیر دولت او را پیچیده کرده است.

مولداوی — مایا ساندو (Maia Sandu)

زندگی شخصی، خانوادگی و تحصیلی:

مایا ساندو متولد ۱۹۷۲ است. تحصیلات خود را در حوزه اقتصاد در مولداوی و سپس در دانشگاه هاروارد ادامه داد. او سابقه فعالیت در بانک جهانی و نهادهای بین‌المللی را دارد.

نحوه رسیدن به قدرت:

پس از دوره‌ای نخست‌وزیری، در سال ۲۰۲۰ در انتخابات ریاست‌جمهوری پیروز شد و به‌عنوان رئیس‌جمهور مولداوی انتخاب شد.

نقاط قوت و ضعف کاری:

نقطه قوت او سابقه اقتصادی و اعتبار بین‌المللی است. ضعف‌های او عمدتاً به ساختار اقتصادی شکننده کشور و شکاف‌های سیاسی داخلی بازمی‌گردد.

چالش‌های پیش‌رو:

مایا ساندو، رئیس‌جمهور مولداوی، با مجموعه چالش‌های مهمی روبه‌روست که آینده کشور و مسیر سیاسی‌اش را تعیین می‌کنند: مهم‌ترین چالش او ادامه مسیر نزدیک‌تر شدن به اتحادیه اروپا و تغییر جهت ژئوپلیتیکی کشور از نفوذ روسیه به سمت غرب است که در انتخابات پارلمانی و همه‌پرسی اهمیت تعیین‌کننده‌ای یافته و با دخالت و فشارهای اطلاعاتی و سیاسی روسیه همراه بوده است.

علاوه بر آن، او باید نگرانی‌های اقتصادی و اجتماعی داخلی مثل وابستگی به انرژی و نیاز به رشد اقتصادی پایدار را مدیریت کند، در حالی که با تقویت نهادهای دموکراتیک و مقابله با فساد ساختاری و همچنین رسیدگی به اختلافات سیاسی داخلی بین هواداران مسیر اروپایی و نیروهای طرفدار رابطه با مسکو مواجه است. این مجموعه فشارها چالش‌های همزمان امنیتی، اقتصادی و سیاسی را برای دولت ساندو رقم زده‌اند.

نامیبیا — نتومبو ناندی-ندایتوا (Netumbo Nandi-Ndaitwah)

زندگی شخصی، خانوادگی و تحصیلی:

نتومبو متولد ۱۹۵۲ است. تحصیلات خود را در روابط بین‌الملل و دیپلماسی گذرانده و از فعالان قدیمی جنبش استقلال نامیبیا بوده است.

نحوه رسیدن به قدرت:

پس از سال‌ها فعالیت حزبی و حضور در دولت، در سال ۲۰۲۴ به‌عنوان رئیس‌جمهور منتخب معرفی شد و قرار است زمام امور را در دست بگیرد.

نقاط قوت و ضعف کاری:

نقطه قوت او تجربه سیاسی و دیپلماتیک طولانی است. منتقدان، تداوم ساختار قدرت سنتی حزب حاکم را نقطه ضعف می‌دانند.

چالش‌های پیش‌رو:

نتومبو ناندی-ندایتوا، رئیس‌جمهور نامیبیا و نخستین زن در این سمت، با چند چالش مهم روبه‌روست: او باید مشکلات اقتصادی و اجتماعی داخلی مانند نرخ بالای بیکاری به‌ویژه در میان جوانان را کاهش دهد و رشد اقتصادی را از وابستگی به بخش‌های معدنی به سمت تنوع‌بخشی به اقتصاد هدایت کند، که شامل افزایش سرمایه‌گذاری در کشاورزی، صنعت و آموزش است. همچنین حفظ اتحاد سیاسی در حالی که حمایت از حزب SWAPO چند دهه حکمرانی‌اش تحت فشار انتقادهاست، اهمیت دارد؛ این در شرایطی است که اختلافات انتخاباتی و تلاش‌های اپوزیسیون برای تغییرات سیاسی نیز وجود دارد. از سوی دیگر، او باید اعتماد عمومی و مشارکت دموکراتیک را تقویت کند، ضمن اینکه پاسخ به مسائلی مانند نابرابری درآمد و بهبود خدمات عمومی بخشی از انتظارات جامعه است. همزمان، نامیبیا با چالش‌های زیست‌محیطی مانند آتش‌سوزی‌های گسترده و تأثیرات تغییرات اقلیمی نیز مواجه است که نیازمند مدیریت منابع و سیاست‌گذاری بلندمدت است.

مقدونیه شمالی — گوردانا سیلیانوفسکا-داوکوا (Gordana Siljanovska-Davkova)

زندگی شخصی، خانوادگی و تحصیلی:

گوردانا متولد ۱۹۵۳ است. او استاد حقوق اساسی و پژوهشگر مسائل حکمرانی و قانون اساسی است.

نحوه رسیدن به قدرت:

او در سال ۲۰۲۴ در انتخابات ریاست‌جمهوری پیروز شد و نخستین زن رئیس‌جمهور مقدونیه شمالی شد.

نقاط قوت و ضعف کاری:

تخصص حقوقی و دانشگاهی از نقاط قوت اوست. اما محدودیت‌های ساختاری مقام ریاست‌جمهوری از نقاط ضعف گوردانا در این جایگاه است.

چالش‌های پیش‌رو:

گوردانا سیلیانوفسکا-داوکوا، رئیس‌جمهور مقدونیه شمالی، با چند چالش کلیدی روبه‌رو است: مهم‌ترین آن مسئله پیچیده پیوستن به اتحادیه اروپا است؛ کشور بیش از دو دهه در مسیر عضویت مانده و اختلافات دوجانبه، به‌ویژه درباره اصلاحات قانون اساسی و حقوق اقلیت‌ها با بلغارستان، مسیر پیشرفت را بلوکه کرده است.

همزمان، مسئله نام رسمی کشور و واکنش‌های دیپلماتیک به استفاده او از نام «مقدونیه» به‌جای «مقدونیه شمالی» تنش‌هایی با یونان ایجاد کرده که می‌تواند اعتبار بین‌المللی و مسیر اروپایی را تحت فشار قرار دهد. در داخل نیز او باید در نقش نمادین و محدود ریاست‌جمهوری تلاش کند اتحاد سیاسی داخلی و اعتماد عمومی را در بحبوحه تغییرات سیاسی اخیر و تمرکز بر مبارزه با فساد تقویت کند، موضوعی که در سایه بازگشت حزب راست‌گرای VMRO-DPMNE به قدرت اهمیت دارد.

پرو — دینا بولوارته (Dina Boluarte)

زندگی شخصی، خانوادگی و تحصیلی:

دینا بولوارته متولد 1962 و دارای تحصیلات حقوقی است. او پیش از ریاست جمهوری، معاون رئیس جمهور و وزیر توسعه اجتماعی بود.

نحوه رسیدن به قدرت:

در دسامبر ۲۰۲۲ و پس از برکناری پدرو کاستیلو، به عنوان رئیس جمهور سوگند یاد کرد.

نقاط قوت و ضعف کاری:

نقطه قوت او تداوم نظم نهادی بود. ضعف اصلی دینا، مشروعیت سیاسی محدود و اعتراضات گسترده اجتماعی است.

چالش‌های پیش رو:

دینا بولوارته، رئیس جمهور پرو، با چالش‌های جدی و چندگانه‌ای مواجه بوده است که در نهایت منجر به استیضاح و برکناری او توسط کنگره در اکتبر ۲۰۲۵ شد — یکی از چندین تغییر سریع رهبری سیاسی در این کشور طی چند سال اخیر.

اساسی‌ترین چالش او عبارت بودند از بحران مشروعیت و کاهش شدید محبوبیت عمومی (تا تک‌رقمی یا نزدیک به صفر در نظرسنجی‌ها)، که ناشی از عملکرد ضعیف در مهار خشونت سازمان‌یافته، ناتوانی در رفع مشکلات اقتصادی و اجتماعی، و انتقادهای گسترده نسبت به پاسخ دولت به اعتراض‌ها و سیاست‌های امنیتی بوده است. افزون بر این، او با اتهامات فساد و پرونده‌های جنجالی مانند «Rolexgate» درباره عدم اعلام دارایی‌های لوکس مواجه بود که اعتبارش را بیشتر تضعیف کرد. ^[۱] همچنین بحران‌های سیاسی عمیق، اعتراضات گسترده و فشار برای برگزاری انتخابات زودهنگام از دیگر عوامل مهم تشدیدکننده مشکلات او بود. در مجموع، مجموعه‌ای از چالش‌های سیاسی، اجتماعی و نظارتی باعث شد دوره ریاست جمهوری او به‌طور پیش‌ازموعده خاتمه یابد و بحران‌های ساختاری پرو را برجسته‌تر کند.

اسلوونی — ناتاشا پیرتس موسار (Nataša Pirc Musar)

زندگی شخصی، خانوادگی و تحصیلی:

ناتاشا متولد ۱۹۶۸ است. او پیش از این وکیل و روزنامه‌نگار بود و بر حقوق بشر و آزادی رسانه‌ها تمرکز داشت.

نحوه رسیدن به قدرت:

در سال ۲۰۲۲ در انتخابات ریاست‌جمهوری پیروز شد.

نقاط قوت و ضعف کاری:

استقلال سیاسی و سابقه حقوقی از نقاط قوت اوست. با این حال، نقش تشریفاتی ریاست‌جمهوری دامنه اثرگذاری او را محدود می‌کند.

چالش‌های پیش‌رو:

ناتاشا موسار، رئیس‌جمهور اسلوونی، با چند چالش مهم روبه‌روست: او در نقش عمدتاً تشریفاتی ولی با برخی اختیارات نمادین باید هماهنگی سیاست‌های داخلی و خارجی را حفظ کند، به‌ویژه در شرایطی که اختلافات سیاسی و تلاش برای تعادل میان ارزش‌های اروپایی و فشارهای منطقه‌ای وجود دارد؛ یکی از نمونه‌های اخیر، تنش با نخست‌وزیر درباره انتصاب سفیران بود که نشان داد مرزبندی نقش‌های ریاست‌جمهوری و دولت می‌تواند به تنش سیاسی بین نهادها منجر شود.

همچنین او در سطح بین‌المللی باید نقش اسلوونی در اتحادیه اروپا و تعامل با بحران‌های خارجی مانند جنگ اوکراین و مناقشه خاورمیانه مدیریت کند و پیامدهای امنیتی و اقتصادی آن را در چارچوب ارزش‌های اروپایی دنبال نماید. در سطح اجتماعی نیز هشدارها درباره تقویت امنیت داخلی و جلوگیری از تنش‌های اجتماعی از دیگر دغدغه‌های اوست.

سوئیس — کارین کِلر-سوتر (Karin Keller-Sutter)

زندگی شخصی، خانوادگی و تحصیلی:

متولد ۱۹۶۳ است. تحصیل کرده علوم سیاسی است و سابقه اجرایی در دولت فدرال دارد.

نحوه رسیدن به قدرت:

عضو شورای فدرال سوئیس و سپس در سال ۲۰۲۵ رئیس دوره‌ای کنفدراسیون سوئیس شد.

نقاط قوت و ضعف کاری:

تجربه اجرایی بالا نقطه قوت اوست. با این حال، فشار افکار عمومی بر سیاست‌های مهاجرتی و امنیتی از چالش‌های کاری کارین محسوب می‌شود.

چالش‌های پیش‌رو:

کارین کِلر-سوتر، رئیس‌جمهور سوئیس در سال ۲۰۲۵، با چند چالش مهم روبه‌روست: اساسی‌ترین آنها تنش‌های تجاری با ایالات متحده و تعرفه‌های سنگین وارداتی است که صادرات سوئیس را تحت فشار قرار داده و مذاکرات برای رسیدن به توافقی با واشنگتن هنوز بی‌نتیجه باقی مانده است، که نیاز به تنوع‌بخشی بازارها و توافقات تجاری جدید دارد.

همچنین مدیریت سیاست داخلی دشوار در بودجه و توازن مالی با افزایش هزینه‌ها و انتقادهای داخلی درباره اولویت‌ها، به‌ویژه در حمایت از نظام مالی و اجتماعی، از دیگر چالش‌هاست.

در حوزه دیپلماسی، او باید نقش سوئیس در سیاست خارجی و روابط با اتحادیه اروپا را تقویت کند و در عین حال در یک فضای بین‌المللی پر از بی‌ثباتی و فشارهای ژئوپلیتیک مانند بحران‌های امنیتی و اقتصادی جهانی نقش کشورش را تعریف کند.

تانزانیا — سمیه سولو هو حسن (Samia Suluhu Hassan)

زندگی شخصی، خانوادگی و تحصیلی:

متولد ۱۹۶۰ است. در رشته مدیریت دولتی تحصیل کرده و دارای سابقه طولانی در قوه مجریه است.

نحوه رسیدن به قدرت:

در سال ۲۰۲۱ پس از درگذشت رئیس‌جمهور پیشین، ریاست‌جمهوری را بر عهده گرفت.

نقاط قوت و ضعف کاری:

تلاش برای باز کردن فضای سیاسی از نقاط قوت اوست، اما انتقادهای حقوق بشری از سمیه همچنان پابرجاست.

چالش‌های پیش‌رو:

سمیه سولو هو حسن او باید بحران مشروعیت و اعتراض‌های گسترده داخلی را مدیریت کند، زیرا انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۵ که او با حدود ۹۸ درصد آرا پیروز شد با انتقادهای شدید درباره نقض‌های دموکراتیک، سرکوب رسانه‌ها و مخالفان، و سرکوب اعتراض‌ها همراه بود و هم احزاب اپوزیسیون و هم ناظران منطقه‌ای و بین‌المللی، از جمله اتحادیه آفریقا، کیفیت و شفافیت این انتخابات را زیر سؤال برده‌اند. این وضعیت فشار جدی بر دولت او برای تقویت اعتبار سیاسی، حقوق بشر و فضای باز سیاسی ایجاد می‌کند، ضمن اینکه باید ثبات و اتحاد ملی را حفظ کند و به نگرانی‌های اقتصادی و اجتماعی مردم پاسخ دهد.

ترینیداد و توباگو — کریستین کانگالو (Christine Kangaloo)

زندگی شخصی، خانوادگی و تحصیلی:

کریستین در سال ۱۹۶۱ به دنیا آمده است. او پیش از این وکیل و قاضی با سابقه حقوق طولانی بوده است.

نحوه رسیدن به قدرت:

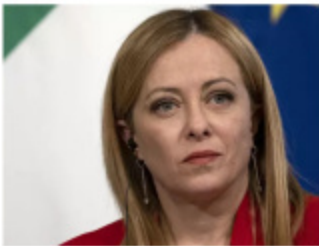
در سال ۲۰۲۳ به عنوان رئیس جمهور انتخاب شد.

نقاط قوت و ضعف کاری:

تجربه حقوقی نقطه قوت اصلی اوست. با این حال، نقش تشریفاتی ریاست جمهوری دامنه کنش سیاسی کریستین را محدود می کند.

چالش های پیش رو:

کریستین کانگالو، رئیس جمهور ترینیداد و توباگو، با چند چالش اصلی مواجه است: او باید تعادل در سیاست خارجی را در حالی حفظ کند که همسایگان منطقه ای مانند ونزوئلا به رفتارهای نظامی و امنیتی ترینیداد اعتراض دارند و بر روابط منطقه ای فشار وارد می کنند، از جمله انتقادهای به رزمایش های برگزار شده در کارائیب و تنش های دیپلماتیک پیرامون همکاری های دفاعی و انرژی. در داخل کشور نیز او با انتظارات بالا برای بهبود اقتصاد و پاسخ به مسائل امنیتی و اجتماعی مواجه است، و باید نقش نمادین ریاست جمهوری را در تقویت اتحاد ملی، پاسخ گویی به انتقادهای و حفظ ثبات داخلی ایفا کند، در حالی که فضای سیاسی منطقه نیز پیچیدگی های خود را دارد.



زنان نخست‌وزیر

باربادوس — میا موتلی (Mia Mottley)

زندگی شخصی، خانوادگی و تحصیلی:

میا امور موتلی متولد ۱۹۶۵ است. تحصیلات خود را در رشته حقوق در مدرسه اقتصاد لندن (LSE) به پایان رسانده و به عنوان وکیل آموزش دیده است. او از خانواده‌ای سیاسی می‌آید و از سنین جوانی وارد عرصه سیاست شد.

نحوه رسیدن به قدرت:

در سال ۲۰۱۸، حزب کارگر باربادوس به رهبری او پیروزی قاطعی در انتخابات به دست آورد و موتلی به عنوان نخست‌وزیر منصوب شد. او در انتخابات ۲۰۲۲ نیز بار دیگر پیروز شد.

نقاط قوت و ضعف کاری:

از نقاط قوت او می‌توان به مهارت خطابه، نقش‌آفرینی بین‌المللی و تمرکز بر تغییرات اقلیمی اشاره کرد. با این حال، محدودیت‌های اقتصادی کشور کوچک جزیره‌ای، دامنه سیاست‌گذاری او را محدود می‌کند.

چالش‌های پیش‌رو:

نخست‌وزیر باربادوس، میا موتلی، با چند چالش کلیدی روبه‌روست که هم در سطح داخلی و هم منطقه‌ای اثرگذار هستند: او باید پاسخ دهد به مسائل دموگرافیک و نیروی کار با توجه به کاهش جمعیت و نیاز به جذب نیروی کار از طریق طرح‌های آزادی حرکت در کاریکام که در داخل برخی نگرانی‌هایی ایجاد کرده است؛ همچنین تنش‌های سیاسی و وحدت در حزب حاکم در سایه تغییرات کابینه و اختلاف نظرها در سیاست‌ها مطرح است. همزمان، او با فشار برای تقویت دموکراسی و حفظ ارزش‌های حکومتی در عصر اطلاعات روبه‌روست و تلاش می‌کند نقش باربادوس و کاریکام (سازمان منطقه‌ای کارائیب) را در تحولات جهانی، اصلاح نظام مالی بین‌المللی و مقابله با بحران‌های اقلیمی تقویت کند، موضوعاتی که نیازمند اجماع منطقه‌ای و حمایت بین‌المللی‌اند.

جمهوری دموکراتیک کنگو — جودیت سومینوا (Judith Suminwa)

زندگی شخصی، خانوادگی و تحصیلی:

جودیت سومینوا تولکا متولد دهه ۱۹۷۰ است. تحصیلات خود را در حوزه اقتصاد و مدیریت توسعه به پایان رسانده و سابقه همکاری با نهادهای بین‌المللی توسعه‌ای دارد.

نحوه رسیدن به قدرت:

در آوریل ۲۰۲۴، از سوی رئیس‌جمهور فلیکس تشیسکدی به‌عنوان نخست‌وزیر منصوب شد و نخستین زن در تاریخ این کشور است که به این مقام می‌رسد.

نقاط قوت و ضعف کاری:

تجربه در حوزه توسعه اقتصادی از نقاط قوت اوست. اما ضعف ساختاری دولت مرکزی و بحران امنیتی، محدودیت جدی در راه جودیت ایجاد می‌کند.

چالش‌های پیش‌رو:

سومینوا با چند چالش مهم روبه‌روست: نخست، بحران اقتصادی و وابستگی شدید به نفت که دولت را مجبور به کاهش هزینه‌ها، اصلاحات مالی و جابجایی وزرا می‌کند تا نقدینگی و پرداخت حقوق برقرار شود و رشد اقتصادی را پایدارتر سازد.

دوم، نارضایتی و رقابت سیاسی با اپوزیسیون در آستانه انتخابات ۲۰۲۶ که ائتلاف‌های مخالف تلاش می‌کنند قدرت طولانی‌مدت او را به چالش بکشند، با انتقاد درباره محدودیت‌های دموکراتیک و کنترل شدید بر عرصه سیاسی.

سوم، مشکلات خدمات عمومی و اجتماعی شامل دسترسی محدود به آب، برق و بهداشت برای بخش بزرگی از جمعیت و فشار بر دولت برای بهبود سطح زندگی.

و نهایتاً، افزایش ناامنی و باندهای سازمان‌یافته که تهدیدی برای ثبات داخلی و انسجام اجتماعی به شمار می‌رود و نیازمند واکنش قاطع دولت است.

این مجموعه چالش‌ها، هم در عرصه اقتصادی و هم سیاسی، موقعیت رهبر کنونی کنگو را در دوره انتقالی حساس کرده است.

دانمارک — مته فردریکسن (Mette Frederiksen)

زندگی شخصی، خانوادگی و تحصیلی:

متولد ۱۹۷۷ است. در رشته علوم اداری و اجتماعی تحصیل کرده و فعالیت سیاسی را از جوانی در حزب سوسیال‌دموکرات آغاز کرده است.

نحوه رسیدن به قدرت:

در سال ۲۰۱۹ پس از پیروزی حزبش در انتخابات پارلمانی، نخست‌وزیر شد و در دوره‌های بعدی نیز قدرت را حفظ کرد.

نقاط قوت و ضعف کاری:

اقتدار اجرایی و توان مدیریت بحران از نقاط قوت اوست. در عین حال، سیاست‌های سخت‌گیرانه مهاجرتی از نقاط بحث‌برانگیز دوران کاری مته محسوب می‌شود.

چالش‌های پیش‌رو:

مته فردریکسن، امروز با چند چالش کلیدی روبه‌روست: حمایت از حکومتش در میان کاهش شدید محبوبیت حزب سوسیال‌دموکرات پس از شکست در انتخابات محلی، از جمله از دست دادن کنترل کپنهاگ برای نخستین بار در بیش از یک قرن، که فشار برای تغییر رهبری یا پیامدهای سیاسی جدی را افزایش داده است. همچنین مدیریت سیاست‌های سختگیرانه در مهاجرت و ادغام اجتماعی و تلاش برای پاسخ به انتقادات داخلی درباره این رویکردها یکی دیگر از محورهای تنش در عرصه داخلی است.

در سطح بین‌المللی، او باید تعادل حساس در روابط با آمریکا و نقش در امنیت آرکتیک و حمایت از حاکمیت گرینلند را حفظ کند، ضمن اینکه در چارچوب ریاست دوره‌ای دانمارک بر اتحادیه اروپا به مقابله با چالش‌های ژئوپلیتیک و امنیتی پردازد.

این ترکیب فشارهای داخلی و خارجی موقعیت او را در سیاست دانمارک به نقطه حساسی رسانده است..

ایسلند — کریسترون فروستادوتیر (Kristrún Frostadóttir)

زندگی شخصی، خانوادگی و تحصیلی:

کریست در سال ۱۹۸۸ بدنیا آمد. او اقتصاددان، تحصیل کرده دانشگاه ییل و دارای سابقه پژوهش اقتصادی است.

نحوه رسیدن به قدرت:

در سال ۲۰۲۴، پس از انتخابات پارلمانی، به عنوان نخست وزیر ایسلند منصوب شد.

نقاط قوت و ضعف کاری:

تخصص اقتصادی و رویکرد نسل جدید سیاستمداران از نقاط قوت اوست. تجربه محدود اجرایی، یکی از نقاط ضعف کریست به شمار می رود.

چالش های پیش رو:

کریسترون فروستادوتیر با چند چالش اصلی روبه رو است: اول، بهبود وضعیت اقتصادی شامل کنترل تورم و نرخ های بهره، افزایش رشد اقتصادی و مقابله با مشکلات ساختاری مانند وابستگی به بخش ماهیگیری و بازارهای محدود داخلی. دوم، حفظ اتحاد و کارآمدی ائتلاف سه حزبی دولت شامل حزب چپ میانه، میانه گرا و مردم گرای کوچک در حالی که انتظارات متفاوتی از سیاست های اجتماعی و اقتصادی دارند. سوم، بازتولید اعتماد عمومی به سیاستمداری و دولت داری در شرایطی که نقدها از کاهش اعتماد به نهادهای سیاسی افزایش یافته است. چهارم، در سطح بین المللی، ایسلند باید تعادل در سیاست خارجی و امنیتی به ویژه در حوزه های آرکتیک و همکاری با ناتو، اتحادیه اروپا و ایالات متحده را مدیریت کند و بحث های حساس درباره آینده مشارکت با اتحادیه اروپا را پیش ببرد. همه این موارد مجموعه ای از چالش های داخلی و خارجی را برای دولت جوان و تازه کار او ایجاد کرده است.

ایتالیا — جورجیا ملونی (Giorgia Meloni)

زندگی شخصی، خانوادگی و تحصیلی:

جورجیا متولد ۱۹۷۷ است. تحصیلات دانشگاهی را ناتمام رها کرده و از نوجوانی وارد سیاست شده است.

نحوه رسیدن به قدرت:

در سال ۲۰۲۲، پس از پیروزی ائتلاف راست گرا، به عنوان نخست وزیر منصوب شد و نخستین زن در این سمت در تاریخ ایتالیا است.

نقاط قوت و ضعف کاری:

انسجام حزبی و پایگاه رأی مشخص از نقاط قوت اوست. اما مواضع ایدئولوژیک و تنش با برخی شرکای اروپایی از نقاط ضعف جورجیا است.

چالش‌های پیش رو:

جورجیا ملونی با چالش‌های متعددی روبه‌روست: نارضایتی اجتماعی از بودجه و سیاست‌های اقتصادی، مشکلات ساختاری اقتصاد و پروژه‌های انرژی، فشار برای مدیریت مهاجرت و حقوق بشر، و نیاز به تعادل در سیاست خارجی میان اتحادیه اروپا، اوکراین و روسیه، ضمن اینکه حفظ اتحاد ائتلاف راست‌گرای او در داخل کشور نیز دشوار است. این مجموعه فشارها، محبوبیت و آینده سیاسی او را در ایتالیا به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد.

لتونی — اویکا سیلینا (Evika Siliņa)

زندگی شخصی، خانوادگی و تحصیلی:

اویکا در سال ۱۹۷۵ بدنیا آمد. او وکیل و تحصیل کرده حقوق است.

نحوه رسیدن به قدرت:

در سال ۲۰۲۳ پس از تشکیل دولت ائتلافی، به عنوان نخست وزیر انتخاب شد.

نقاط قوت و ضعف کاری:

تجربه حقوقی نقطه قوت اوست. شکنندگی ائتلاف حاکم یکی از محدودیت های دولت اوست.

چالش های پیش رو:

اویکا سیلینا، نخست وزیر لتونی، با چند چالش کلیدی روبه روست: مهم ترین آنها حفظ ثبات ائتلاف چندحزبی و جلوگیری از تفرقه سیاسی داخلی است، زیرا اختلاف ها بر سر موضوعات اجتماعی و بین المللی مانند احتمال خروج از کنوانسیون استانبول علیه خشونت علیه زنان تنش در دولت و جامعه ایجاد کرده است و اعتراض های خیابانی را به دنبال داشته است.

همچنین او باید امنیت ملی و موقعیت لتونی در برابر فشارهای منطقه ای به ویژه از سوی روسیه را تقویت کند، ضمن اینکه سیاست اقتصادی و اجتماعی را در سطحی تنظیم کند که پاسخگوی انتظارات مردم و تعهدات به اتحادیه اروپا و ناتو باشد.

این چالش های همزمان داخلی و خارجی موقعیت سیلینا را در یکی از حساس ترین دوره های سیاسی لتونی قرار داده است.

ساموآ — فیامه نائومی ماتاآفا (Fiame Naomi Mata'afa)

زندگی شخصی، خانوادگی و تحصیلی:

فیامه در ۱۹۵۷ در خانواده‌ای سیاسی به دنیا آمد که سابقه طولانی در سیاست ساموآ دارند.

نحوه رسیدن به قدرت:

در سال ۲۰۲۱ پس از بحران انتخاباتی، به عنوان نخست‌وزیر منصوب شد.

نقاط قوت و ضعف کاری:

تجربه سیاسی عمیق نقطه قوت اصلی اوست، با این حال فیامه باید با تنش‌های سیاسی داخلی هم دست و پنجه نرم کند که به نظر می‌رسد پایانی ندارند.

چالش‌های پیش‌رو:

فیامه نائومی ماتاآفا، نخست‌وزیر ساموآ، با چالش‌های سیاسی و نهادی قابل‌توجهی روبه‌روست: او پس از اختلاف عمیق با حزب FAST و حذف از حزب خود مجبور به اداره دولتی کوچک در شرایط اقلیت پارلمانی شده و بارها با طرح‌های عدم اعتماد و فشارهای سیاسی مواجه بوده است، که نهایتاً به شکست بودجه دولت و فراخوانی انتخابات زودهنگام منجر شد و موقعیت رهبری او را تضعیف کرده است. این ناپایداری سیاسی در کنار تقاضاها برای پاسخ به مشکلات اقتصادی و اجتماعی داخلی کشور کوچک جزیره‌ای، از جمله انتظارات برای بهبود خدمات و رشد، چالش‌های همزمانی را برای مدیریت دولت و حفظ اعتماد عمومی ایجاد کرده است.

تایلند — پاتونگ تارن شیناواترا (Paetongtarn Shinawatra)

زندگی شخصی، خانوادگی و تحصیلی:

پاتونگ در سال ۱۹۸۶ به دنیا آمد. او تحصیل کرده مدیریت و عضو خانواده سیاسی شیناواترا است.

نحوه رسیدن به قدرت:

در سال ۲۰۲۴ پس از تحولات سیاسی و پارلمانی، به عنوان نخست وزیر منصوب شد. او تا آخر ماه اوت نخست وزیر بود.

نقاط قوت و ضعف کاری:

پایگاه خانوادگی و حزبی نقطه قوت پاتونگ بود. اما انتقادهای نسبت به میراث سیاسی خانواده او هم موضوع روز تایلند بود.

چالش‌های پیش رو:

مهم‌ترین چالش پیش روی او ترکیبی از بحران سیاسی، کاهش شدید حمایت عمومی و فشار نهادهای قضایی و نظامی بود: او که به عنوان جوان‌ترین نخست وزیر تاریخ تایلند از حزب فو تایلند (Pheu Thai) و عضو خاندان شیناواترا به قدرت رسید، نتوانست وعده‌های اقتصادی و اجتماعی حزبش را عملی کند و محبوبیتش سقوط کرد، و در ادامه یک تماس تلفنی جنجالی با رهبر سابق کامبوج در بحبوحه تنش مرزی باعث شد دادگاه قانون اساسی با استناد به نقض اخلاق دولتی او را از سمتش برکنار کند—رویدادی که ناامیدی از حزبش را افزایش داد، ائتلاف پارلمانی‌اش را تضعیف کرد و ثبات سیاسی کشور را به مخاطره انداخت.

توگو — ویکتور تومگاه دوگبه (Victoire Tomegah Dogbé)

زندگی شخصی، خانوادگی و تحصیلی:

ویکتور در سال ۱۹۵۹ به دنیا آمد. او تحصیل کرده اقتصاد و مدیریت توسعه است و سابقه کار در سازمان‌های بین‌المللی را دارد.

نحوه رسیدن به قدرت:

در سال ۲۰۲۰ به عنوان نخست‌وزیر منصوب شد؛ او نخستین زن در این سمت در توگو به حساب می‌آید.

نقاط قوت و ضعف کاری:

تجربه مدیریتی نقطه قوت ویکتور است. اما ساختار قدرت متمرکز کشور برای او محدودیت ایجاد می‌کند.

چالش‌های پیش‌رو:

ویکتور با چند چالش مهم مواجه است: او در میانه گذار سیاسی توگو از سیستم ریاست‌جمهوری به پارلمانی قرار دارد که ساختار قدرت را تغییر داده و نیازمند مدیریت تغییرات نهادی و انتظارات عمومی است؛ این تحول باعث فشار برای تشکیل دولت جدید و حفظ حمایت سیاسی در پارلمان می‌شود.

همزمان، توگو با ناامنی مرزی و تهدید گروه‌های جهادی در شمال کشور روبه‌روست که تهدیدی برای ثبات داخلی و امنیت شهروندان محسوب می‌شود.

علاوه بر این، فساد ساختاری و کمبود اعتماد عمومی به نهادهای حکومتی چالشی بلندمدت برای بهبود مشروعیت و پاسخگویی دولت است که نیازمند اصلاحات جدی و شفافیت حکومتی است.

این ترکیب فشارهای سیاسی، امنیتی و نهادی موقعیت نخست‌وزیر را در دوران انتقالی توگو پیچیده کرده است.

تونس — سارا زعفرانی زنزری (Sara Zaafarani Zenzri)

زندگی شخصی، خانوادگی و تحصیلی:

سارا در سال ۱۹۶۳ بدنیا آمد. او مهندس و مدیر ارشد دولتی با سابقه در حوزه زیرساخت و حمل و نقل است.

نحوه رسیدن به قدرت:

در سال ۲۰۲۴ از سوی رئیس‌جمهور قیس سعید به‌عنوان نخست‌وزیر منصوب شد.

نقاط قوت و ضعف کاری:

تخصص فنی نقطه قوت سارا است. البته محدودیت استقلال دولت در ساختار کنونی تونس، نقطه ضعف نهادی است که دولت او هم از آن رنج می‌برد.

چالش‌های پیش‌رو:

سارا زعفرانی، نخست‌وزیر تونس، با چند چالش جدی روبه‌روست: او در شرایطی به‌عنوان سومین نخست‌وزیر در کمتر از دو سال منصوب شد که کشور با بحران اقتصادی عمیق، بدهی بالا، کمبود کالاهای اساسی و رشد اقتصادی کند مواجه است، و دولت تحت فشار است تا اصلاحات اقتصادی، جذب سرمایه و بهبود خدمات عمومی را عملی کند.

همزمان، تونس با چالش مدیریت موج مهاجرت از کشورهای جنوب صحرا و تنش‌های اجتماعی ناشی از آن روبه‌رو است که انتقادهای حقوق بشری و فشار سیاسی را تشدید می‌کند.

افزون بر این، در پس‌زمینه سیاسی گسترده‌تر، دولت قیس سعید با انتقادهای گسترده درباره سرکوب مخالفان و کاهش فضای دموکراتیک مواجه است که بر ثبات سیاسی و مشروعیت اجرایی زعفرانی نیز تأثیر می‌گذارد. این ترکیب چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی موقعیت نخست‌وزیر تونس را در دوره‌ای حساس قرار داده است.

ژاپن — سانائۀ تاکایچی (Sanae Takaichi)

زندگی شخصی، خانوادگی و تحصیلی:

سانائۀ متولد ۱۹۶۱ است. در رشته سیاست و اقتصاد تحصیل کرده و سابقه طولانی در کابینه‌های مختلف ژاپن دارد.

جایگاه سیاسی:

سانائۀ در سال ۲۰۲۵ از طریق سازوکار درون‌حزبی و رای‌گیری میان نمایندگان و اعضای حزب حاکم به نخست‌وزیری انتخاب شد.

نقاط قوت و ضعف کاری:

تجربه کابینه‌ای و نفوذ حزبی از نقاط قوت اوست. ضعف کاری سانائۀ، پایگاه اجتماعی محدود و وابستگی شدید به موازنه‌های درون حزبی است که دست او را در تصمیم‌های جسورانه می‌بندد.

چالش‌های پیش رو:

در ژاپن، نخست‌وزیر سانائۀ تاکایچی با مجموعه‌ای از چالش‌های سرنوشت‌ساز داخلی و بین‌المللی روبه‌روست: او باید رشد اقتصادی را تقویت و تورم و بدهی عمومی بالا را مدیریت کند، زیرا اقتصاد ژاپن با روند رشد کند، جمعیت سالمند و فشار بر بودجه مواجه است و راهبردهای افزایش هزینه‌های دولتی و تحریک اقتصادی با خطر افزایش بدهی و فشار بر بازارهای مالی همراه است.

در عرصه سیاست خارجی، او باید تعادل حساس بین حفظ اتحاد با ایالات متحده، مدیریت تنش رو به افزایش با چین به‌ویژه درباره تایوان و بهبود روابط با همسایگان مانند کره جنوبی را برقرار کند، در حالی که مواضع قوی‌تر ژاپن در امنیت منطقه می‌تواند روابط را پیچیده‌تر سازد.

همچنین نخست‌وزیر تازه‌کار با فشار برای تحقق وعده‌ها در شرایط سیاسی شکننده و ائتلاف محدود در پارلمان روبه‌روست، که گذار ژاپن از ثبات سنتی حزبی را پیچیده کرده است.

الگوها، تفاوت‌ها و محدودیت‌ها

افزایش شمار زنان در مقام‌های ریاست دولت و حکومت، بیش از آن‌که صرفاً یک تحول جنسیتی باشد، بازتابی از تحولات ساختاری در نظام‌های سیاسی، بحران مشروعیت نخبگان سنتی و تغییر انتظارات اجتماعی است. مرور پرونده زنان رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر نشان می‌دهد که این حضور، نه یک‌دست است و نه الزاماً هم‌معنا با تغییر.

زنانی که به راس هرم قدرت رسیده‌اند، دو مسیر را طی کرده‌اند: انتخابی و انتصابی

۱. نخستین خط تمایز، نحوه رسیدن به قدرت است.

در کشورهایی مانند مکزیک (کلودیا شینبام)، مولداوی (مایا ساندو)، ایتالیا (جورجیا ملونی)، دانمارک (مته فردریکسن) و باربادوس (میا موتلی)، زنان از مسیر انتخابات رقابتی به قدرت رسیده‌اند. در این موارد، رأی عمومی نقش تعیین‌کننده داشته و رهبر زن، حامل یک پروژه سیاسی مشخص است.

در مقابل، چهره‌هایی چون دینا بولوارته (پرو)، سمیه سولووهو حسن (تانزانیا)، جودیت سومینوا (کنگو)، سارا زعفرانی (تونس) و تا حدی ویکتوار دوگبه (توگو)، از مسیر انتصاب یا انتقال قدرت در شرایط بحرانی به رأس دولت رسیده‌اند. در این الگو، «زن بودن» بیشتر محصول موازنه‌های سیاسی بالا به پایین است تا مطالبه اجتماعی.

این تفاوت، مستقیماً بر میزان استقلال، مشروعیت و دامنه کنش سیاسی آنان اثر گذاشته است.

۲. نقش ساختار سیاسی؛ قدرت واقعی کجاست؟

جنسیت رهبر، بدون در نظر گرفتن ساختار نظام سیاسی، توضیح‌دهنده نیست.

در نظام‌های پارلمانی با نخست‌وزیر قدرتمند (ایتالیا، دانمارک، لتونی، ساموآ)، زنان امکان اعمال قدرت اجرایی واقعی دارند.

در نظام‌هایی با رئیس‌جمهور تشریفاتی (مالت، اسلوونی، سوئیس، ترینیداد و توباگو)، زنان بیشتر حامل نقش نمادین، اخلاقی و نمایندگی هستند.

در کشورهایی با تمرکز قدرت در نهادهای غیرانتخابی یا شخص رئیس‌جمهور (تونس، توگو، تانزانیا)، حتی نخست‌وزیر زن نیز با محدودیت جدی اختیار مواجه است.

به بیان دیگر، بسیاری از محدودیت‌ها نه «زنانه»، بلکه نهادی هستند.

۳. سرمایه نمادین؛ مزیت و دام هم‌زمان

تقریباً همه این رهبران، به‌ویژه آنان که «نخستین زن» در یک سمت بوده‌اند، از سرمایه نمادین بالا برخوردارند. این سرمایه، در سطح بین‌المللی به افزایش توجه رسانه‌ای و حمایت دیپلماتیک کمک کرده و در داخل، برای بخشی از جامعه، نشانه تغییر و گسست از گذشته بوده است.

اما همین سرمایه می‌تواند به دام انتظارات بیش‌ازحد تبدیل شود؛ به‌ویژه در کشورهایی با بحران اقتصادی، امنیتی یا نهادی. تجربه پرو، کنگو و تونس نشان می‌دهد که نماد بودن، جایگزین ابزار واقعی حکمرانی نمی‌شود.

۴. تفاوت‌های منطقه‌ای؛ زن بودن یک تجربه جهانی یکسان نیست

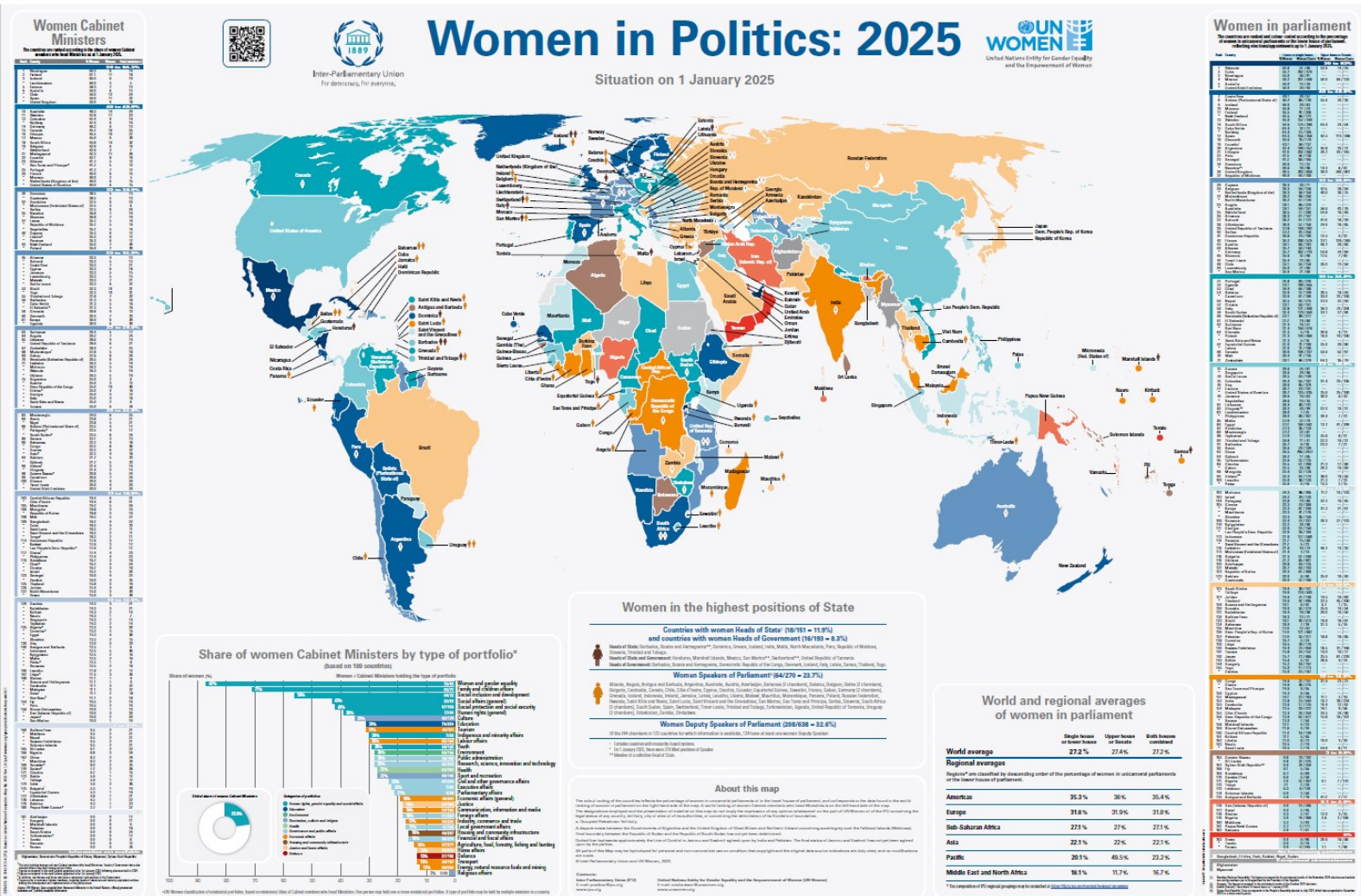
بررسی منطقه‌ای نشان می‌دهد که در اروپا، رهبران زن اغلب تحصیل‌کرده، تکنوکرات و محصول احزاب تثبیت‌شده‌اند (ساندو، فردریکسن، سیلینا، فروستادوتیر). در آمریکای لاتین، زنان در قدرت با بحران‌های امنیتی و اجتماعی عمیق‌تری مواجه‌اند (شینبام، بولوارته). در آفریقا، بسیاری از زنان رهبر در چارچوب ساختارهای قدرت متمرکز یا انتقالی عمل می‌کنند (سمیه حسن، دوگبه، سومینوا). و در جزایر کوچک و اقیانوس آرام، نقش زنان بیشتر با مدیریت بقا، اقلیم و سیاست خارجی گره خورده است (موتلی، هاینه، ماتاآفا).

۵. آیا حضور زنان به تغییر سیاست‌ها منجر شده است؟

داده‌ها نشان می‌دهد که هیچ رابطه خطی و قطعی میان زن بودن رهبر و تغییر سیاست‌ها وجود ندارد. برخی رهبران زن، سیاست‌هایی محافظه‌کارانه یا سخت‌گیرانه را پیش برده‌اند (ملونی، فردریکسن)، و برخی دیگر اصلاح‌طلبانه‌تر عمل کرده‌اند (ساندو، شینبام، موتلی).

آنچه تعیین‌کننده است: «وزن حزب»، «ساختار قدرت» و «شرایط بحران یا ثبات» است و نه صرفاً جنسیت فرد.

نگاهی به حضور زنان در رده‌های بالای سیاسی



بر اساس داده‌های سازمان ملل و اتحادیه بین‌المللی زنان، تا اول ژانویه ۲۰۲۵، زنان تنها در ۲۵ کشور جهان در جایگاه‌های «بالاترین مقام اجرایی» حضور دارند؛ یعنی یا رئیس کشور هستند (رئیس‌جمهور/رئیس دولت نمادین) یا رئیس دولت (نخست‌وزیر/رئیس قوه مجریه). این عدد، در مقایسه با مجموع نزدیک به ۱۹۳ کشور عضو سازمان ملل، نشان می‌دهد که کمتر از یک‌دهم کشورهای جهان تجربه رهبری زن در رأس قدرت اجرایی را دارند.

به‌طور تفکیکی، زنان حدود ۹ درصد از رؤسای کشورها و حدود ۸ درصد از رؤسای دولت‌ها را تشکیل می‌دهند. به بیان دیگر، هنوز بیش از ۹۰ درصد مناصب عالی اجرایی جهان در اختیار مردان است. این آمار، یکی از صریح‌ترین نشانه‌های «سقف شیشه‌ای» در سیاست جهانی است؛ سقفی که برخلاف افزایش تدریجی حضور زنان در سطوح میانی قدرت، در رأس هرم همچنان تقریباً دست‌نخورده باقی مانده است.

زنان در کابینه‌ها؛ تمرکز بر وزارتخانه‌ها نه قدرت راهبردی

در سال ۲۰۲۵، زنان به‌طور متوسط ۲۲.۹ درصد از وزیران کابینه‌های جهان را تشکیل می‌دهند؛ رقمی که نه تنها فاصله معناداری با برابری جنسیتی دارد، بلکه نسبت به سال قبل نیز اندکی کاهش نشان می‌دهد. اما مهم‌تر از سهم عددی، الگوی توزیع زنان در وزارتخانه‌ها است.

داده‌ها نشان می‌دهد زنان عمدتاً در وزارتخانه‌هایی حضور دارند که در ادبیات سیاست‌گذاری به‌عنوان حوزه‌های «اجتماعی» یا «مراقبتی» شناخته می‌شوند. بیشترین تمرکز زنان در وزارتخانه‌هایی مانند برابری جنسیتی، امور زنان، خانواده و کودکان است؛ به‌طوری که در برخی از این حوزه‌ها، زنان حتی بیش از ۷۰ یا ۸۰ درصد پست‌های وزارتی را در اختیار دارند.

پس از آن، وزارتخانه‌هایی مانند شمول اجتماعی، توسعه اجتماعی، حمایت و تأمین اجتماعی، فرهنگ، آموزش، بهداشت و رفاه قرار دارند؛ حوزه‌هایی که به‌طور سنتی با سیاست‌های نرم، خدمات عمومی و مسئولیت‌های اجتماعی پیوند خورده‌اند. در این وزارتخانه‌ها، حضور زنان بین حدود ۳۰ تا ۵۵ درصد در نوسان است.

در مقابل، هرچه به وزارتخانه‌های «سخت» و راهبردی نزدیک می‌شویم، سهم زنان به‌طور محسوسی کاهش می‌یابد. در وزارت امور خارجه، زنان کمتر از یک‌پنجم وزیران را تشکیل می‌دهند. در وزارت دارایی و اقتصاد، این سهم به حدود ۱۶ درصد می‌رسد. در وزارت کشور، امنیت داخلی و دفاع، حضور زنان به حدود ۱۳ درصد یا حتی کمتر محدود می‌شود.

این الگو نشان می‌دهد که مسئله صرفاً «تعداد زنان در کابینه» نیست، بلکه نوع قدرتی است که به زنان سپرده می‌شود. زنان، حتی زمانی که وارد کابینه می‌شوند، اغلب از تصمیم‌گیری در حوزه‌های امنیت، اقتصاد کلان و سیاست خارجی کنار گذاشته می‌شوند.

زنان وزیر؛ حضور قابل‌مشاهده اما نامتوازن

اینفوگرافی «Women in Politics: 2025» فهرست اسمی همه زنان وزیر جهان را ارائه نمی‌دهد، اما از طریق داده‌های تجمیعی روشن می‌کند که زنان وزیر در جهان عمدتاً در چه نقش‌هایی دیده می‌شوند. تصویر کلی چنین است: زنان در دولت‌ها حضور دارند، اما نه در جایگاه‌هایی که «توازن قدرت» را به‌طور بنیادین تغییر دهد.

در معدودی از کشورها—مانند برخی کشورهای اروپای شمالی و آمریکای لاتین—کابینه‌هایی با ۵۰ درصد یا بیشتر زن شکل گرفته است. در این کشورها، زنان نه فقط در وزارتخانه‌های اجتماعی، بلکه گاه در حوزه‌هایی مانند اقتصاد، خارجه یا حتی دفاع نیز نقش دارند. اما این کشورها استثنا هستند، نه قاعده.

در اکثریت کشورهای جهان، زنان وزیر یا مسئول پرونده‌های اجتماعی‌اند، یا در بهترین حالت در حوزه‌های فرهنگی و آموزشی. همین تمرکز، بازتولیدکننده کلیشه‌ای قدیمی است: این تصور که زنان برای «مدیریت جامعه» مناسب‌اند، اما برای «مدیریت قدرت» نه.

کلام آخر

با وجود دهه‌ها تلاش برای افزایش مشارکت سیاسی زنان، قدرت سیاسی واقعی همچنان به شدت مردانه باقی مانده است. زنان به پارلمان‌ها راه یافته‌اند، به کابینه‌ها رسیده‌اند، اما در رأس دولت‌ها و در قلب تصمیم‌گیری‌های امنیتی، اقتصادی و دیپلماتیک، همچنان اقلیت مطلق‌اند.

حضور زنان در رأس قدرت سیاسی، نشانه‌ای مهم از تغییرات اجتماعی و سیاسی قرن بیست و یکم است، اما نه به معنای پایان سیاست مردسالارانه و نه تضمین‌کننده اصلاحات پایدار.

مسئله امروز فقط «حضور زنان در سیاست» نیست؛ مسئله این است که زنان تا چه حد اجازه دسترسی به قدرت سخت و راهبردی دارند. و پاسخ اینفوگرافی ۲۰۲۵ سازمان ملل به این پرسش، هنوز ناامیدکننده است. این تجربه‌ها نشان می‌دهد که زن بودن می‌تواند درهای قدرت را باز کند، اما این ساختار قدرت است که تعیین می‌کند چه کسی تا کجا می‌تواند پیش برود.